

روی خط خبر

● **رمان موفق و پرفروش «جایی که خرنگ‌ها آواز می‌خوانند» به قلم «دلایا اوننز» که در هفته‌های اخیر با ورود تازه‌های نشر به رتبه‌های چهارم و پنجم سقوط کرده بود، در جدیدترین فهرست آثار داستانی نیویورک‌تایمز بار دیگر صدرنشین شد. این هفتادوششمین هفته از حضور نخستین رمان «دلایا اوننز» در فهرست رمان‌های پرفروش این نشریه است.**

● **نخستین جشنواره نمایش عروسکی یزد قرار بود نهم تا سیزدهم اسفندماه با هدف آشنایی هر چه بیشتر مردم این استان با ظرفیت‌های نمایش عروسکی برگزار شود؛ اما گویا این جشنواره هم در پی شیوع ویروس کرونا به تعویق افتاده است.**

● **معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد به دنبال اطلاعیه وزارت ارشاد درباره تعطیلی برنامه‌های هنری به دلیل پیشگیری مناسب از خطر ابتلا به بیماری کرونا تمامی برنامه‌های این معاونت در حوزه کتاب و نشر را لغو کرد. همچنین این معاونت در حال بررسی موضوع تعویق زمان برگزاری سی‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به دلیل شرایط بهداشتی مترتب بر ویروس کروناست که هر ساله در اردیبهشت ماه برگزار می‌شود.**

● **آیین دیدار فیلم‌های گروه هنر و تجربه که قرار بود طی روزهای چهارم، پنجم، هفتم و هشتم اسفندماه برگزار شود، به زمان دیگری موکول شد. همچنین هفته فیلم ایتالیا که به همت موسسه هنر و تجربه سینمای ایرانیان و سفارت ایتالیا در ایران در حال برگزاری بود، به زمان دیگری موکول شد.**

● **جشنواره تجسمی فجر تا روز پنجم اسفند به کار خود ادامه می‌دهد؛ اما اختتامیه این دوره از جشنواره به زمان دیگری موکول شد. قرار است مراسم اختتامیه این دوره از جشنواره پس از برداشتن ممنوعیت‌های برگزاری برنامه‌های هنری و در زمانی مناسب برگزار شود اما جشنواره هنرهای تجسمی فجر تا روز پنجم اسفند به کار خود ادامه خواهد داد؛ زیرا این نمایشگاه محل تجمع نیست.**

روی خط سینما

● **فیلمبرداری مستند بلند «پری» به کارگردانی سودابه مجاوری که نگاهی به مجموعه آیین‌های ملی زنانه دارد، در استان خراسان جنوبی آغاز شد. این مستند نگاهی به آیین‌های زنانه حول یکی از کهن‌ترین ایزدبانوان اساطیری ایران با نام «پری» دارد.**

● **کمپانی «MK۲» که یکی از مهم‌ترین شرکت‌های پخش آثار هنری در فرانسه و دنیاست، در تاریخ هفتم آوریل ۲۰۲۰ سه‌گانه‌های عباس کیارستمی شامل فیلم‌های «خانه دوست کجاست؟»، «زندگی و دیگر هیچ» و «زیر درختان زیتون» و مستند «همراه با باد» ساخته مهدی شادی‌زاده را در فرانسه منتشر و توزیع می‌کند.**

● **نخستین نمایش فیلم سینمایی «پیشی میشی» که متقاضی اکران نوروزی است، برای کودکان کار خواهد بود. این فیلم به کارگردانی حسین قناعت، یک کمدی شاد برای کودکان و نوجوانان و خانواده‌هاست که فیلمبرداری آن در تهران انجام شده است. رضا شفیعی جم، بهاره رهنما و ارژنگ امیرفضلی از جمله بازیگران «پیشی میشی» هستند.**

● **نرگس آبیاری کارگردان شیار ۱۴۳، نفس و شبی که ماه کامل شد، موفق به کسب جایزه زنان برتر و موفق جهان اسلام شد. آبیاری این جایزه در حضور رئیس جمهوری پاکستان نشان برترین زنان راهبر ۲۰۲۰ را دریافت کرد. در این مراسم که توسط کمپانی رسانه‌ای HUMTV پاکستان تدارک دیده شده بود، از زنان موفق و تأثیرگذار کشورهای مختلف جهان تقدیر و نشان زنان راهبر ۲۰۲۰ به آنها اعطاء شد.**

خبر آخر

● **عادل بزوده، کارگردان تئاتر و سازنده عروسک «زی زی گولو»؛ «در تمام این سال‌ها بخشی از این عروسک‌ها در خانه و بخشی دیگر را در مرکز تئاتر کانون نگهداری کرده‌ام. هر بار که مدبری تازه به این مرکز آمده، بارش‌ها روگذاشتن خواسته‌های مجله‌های مخصوصی را که این عروسک‌ها در آن نگهداری می‌شود، حفظ کنند؛ چون با یک لحظه غفلت، این عروسک‌ها مانند یک فوت‌آب، از دست می‌روند. حتی یک انبار خشک و خالی برای نگهداری عروسک‌ها ندارد، یک مکان ساده که شرایط جوی مناسبی داشته باشد.»**

● **عبدالجبار کاکایی، شاعر و ترانه‌سرا؛ «ترانه امروز از وزن و عروض فاصله گرفته و به نوعی مولودی محور شده است. چهارپاره سرایانی که با این سبک ترانه می‌گفتند و در قالب‌هایی چون مثنوی به سرودن ترانه می‌پرداختند دیگر نیستند و با آن سبک و سیاق ترانه نمی‌گویند. در حال حاضر مولودی رابه ترانه سرامی دهند و باید بر آن کلام بگذارند. در حال حاضر خواننده از ترانه سراسر مهم‌ترین ویژگی است. خواننده با تغییر لحنش نقش اول را اجرا می‌کند و آن کسی که کلمات را روی موسیقی می‌گذارد، نه دانش دارد نه سواد. او ادبیات را نمی‌فهمد و از عروض و قافیه چیزی نمی‌داند، فقط بر جملات موسیقایی کلماتی را سواری می‌کند که آن کلمات نیز غالباً تکراری هستند.»**

● **کامبیز دیرباز، بازیگر سینما و تلویزیون؛ «اوایل کارم می‌گفتم چه زمانی می‌شود که در سینمای ایران جایی بایستم و دیگر به جای انتخاب شدن خردم نقش‌ها را انتخاب کنم. این فکر را می‌کردم و می‌گفتم سیمیرم بگیرم که گرفتم؛ گفتم فیلم پرفروش داشته باشم، اخراجی‌ها اتفاق افتاد ولی حالا بعد از ۴۰ سال که از حضورم در تئاتر و سینمای ایران می‌گذرد، به این نتیجه رسیده‌ام که واقعات بازیگر، انتخاب شونده است. مگر اینکه شما اینقدر صبر و حوصله داشته باشید و به لحاظ مالی زندگی‌تان تأمین باشد که بگویید من اگر ۵ سال یک بار هم یک فیلم بازی کردم، هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد.»**

● **ملیکا رضی، کارگردان نمایش «کابوس‌های مرد مشکوک»؛ «اگر نخواهیم تکنیک‌های سیاه‌بازی و روح‌وحی را یاد بگیریم چطور می‌توانیم پرچمدار نمایشنامه‌ها و ایده‌پردازهای کشورهای دیگر باشیم؟ وظیفه هر جوان هنرمند ایرانی که در کار هنر قدم برمی‌دارد این است که ابتدا نمایش ایرانی را یاد بگیرد. اما هنرمندانی را می‌شناسم که حتی یک پاراگراف از نمایشنامه‌های بهرام بیضایی را نمی‌توانند به درستی بخوانند.»**

وضعیت جسمی استاد شجریان پایدار است

وضعیت جسمی استاد محمدرضا شجریان که از پنجشنبه شب در بیمارستان جم بستری است، همچنان پایدار است. هیأت‌مدیره بیمارستان جم عصر دیروز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «شرایط بالینی این هنرمند در حال حاضر پایدار بوده و عفونت ریوی تا حدود زیادی کنترل شده و کم‌کم برای مراقبت بیشتر نیازمند بستری در بخش مراقبت‌های ویژه است.»

خسروی آواز ایران در روزهای گذشته به علت بروز مجدد اختلالات ریوی ناشی از بیماری قلبی در بیمارستان جم تهران بستری شده است. بامداد روز جمعه هم‌اکنون شجریان به علت ابراز نگرانی علاقه‌مندان این هنرمند تصویری از نمایشگر عیال می‌پدر را در صفحه اینستاگرام منتشر کرد. محمدرضا شجریان نوروز ۹۵ با انتشار ویدیویی ضمن تبریک سال نواز ابتلای خود به بیماری سرطان خبر داد و پس از آن تحت نظر پزشکان در حال مداواست.



روایت زنان افغانستانی از زبان صحرا کریمی، کارگردان فیلم «حوا، مریم، عایشه»

خشونت علیه زنان، پنهان زیر برقع

تابوهای فرهنگی و اجتماعی مانع آگاهی‌اند!

[رضا فرج‌پور] یکی از مهم‌ترین فیلم‌هایی که در ماه‌های اخیر روی پرده آمده، «حوا، مریم، عایشه» است. فیلمی از صحرا کریمی کارگردان افغانستانی که در ایران به دنیا آمده، در اروپا سینما خوانده، دکترای سینما دارد و امسال نیز نماینده کشورش در اسکار بوده است. فیلمی درباره زنانی به نام‌های حوا، مریم و عایشه سه زن از سه طبقه مختلف اجتماعی و فرهنگی که هر یک با چالش بزرگی در زندگی مواجه هستند. حوا زنی خانه‌دار است در گیرودار به دنیا آوردن فرزندش و چیزی مهم‌تر از این برایش معنا ندارد. مریم به‌عنوان زنی تحصیل‌کرده در فکر جدایی از شوهری است که به او خیانت کرده است و عایشه نیز زن جوانی است که باردار شده و می‌کوشد که با ازدواج از این مخمصه رهایی یابد. فیلم راوی باحوصله دنیای این سه زن است که همه‌مان به نحو غربی با آنها احساس آشنایی داریم، زنانی با دغدغه‌هایی تابو مانند درباره جسم و هویت زن در جامعه‌ای که مادر شدن مهم‌ترین دلیل و ریشه موقعیت اجتماعی اوست. «حوا، مریم، عایشه» اگر چه با عنوان فیلمی متعلق به سینمای افغانستان در گروه هنر و تجربه به نمایش درآمده، اما کارگردانش خود را ایرانی می‌داند: «من در ایران به دنیا آمده و درس خوانده و فیلم ساختم. پس این موضوع که فیلمم برای ایرانی‌ها نمایش داده می‌شود، برایم بسیار مهم است.» صحرا کریمی که نخستین‌بار با بازی در فیلم «دختران خورشید» مریم شهریار و «خواب سفید» حمید جبلی با سینما آشنا شده، فیلم‌های مستند «زنان افغان پشت فرمان رانندگی» و «نسیمه؛ خاطرات روزانه دختری مهاجر» را در کارنامه دارد؛ فیلم‌هایی که همه درباره زنان و مسائل و چالش‌هایشان در جوامعی سنتی است.

مسائلی چون امنیت گروه فیلمبرداری و دریافت مجوزها و ایجاد هماهنگی‌های لازم، به هر حال ما در جایی کار می‌کردیم که در مورد سینما و به‌خصوص فیلمبرداری از زنان حساسیت‌های زیادی وجود دارد و تمام این مسائل موانعی بودند که جلوی روند طبیعی کار را می‌گرفتند؛ مثلاً بارها پیش آمد که در صحنه‌هایی که درباره کشمکش بین زن و مرد بود، مردم تماشاگر وارد معرکه شده و در دسردست کردند.

● **چرا نخواستید فیلم را در جایی دیگر غیر از افغانستان جلوی دوربین بگیرید؟**

بعد از پایان تحصیل می‌توانستم فیلمم را در اروپا بسازم؛ اما نمی‌خواستم درباره مهاجرت فیلم بسازم، من دوست داشتم روی

روایات بکر سرزمینم باشم. من سینما را بیش از اینکه یک حرفه ببینم، یک رسالت می‌بینم و بنابراین می‌خواستم روایتگر قصه‌های افغانستان باشم.

● **شما به‌عنوان یک زن افغانستانی‌الصل خودتان مشکلاتی مشابه قهرمانان فیلم‌تان را تجربه کرده‌اید؟**

مورد من یک مورد منحصربه‌فرد است. من در عین اینکه افغانستانی هستم، ویژگی‌های زنان ایرانی، افغانستانی و اروپایی را به طور هم‌زمان در خودم دارم؛ این یعنی که در ایران، در افغانستان یا حتی در اروپای شرقی که در آنجا تحصیل کرده‌ام، احساس غربی ندارم. به هر حال من دوره بسیار مهم نوجوانی‌ام را در ایران زندگی کرده‌ام و می‌دانید که دوره بلوغ دوره مهمی است و تأثیر زیادی در آینده فرد دارد.

● **یعنی زندگی در ایران در نگاهی که شما را وامی‌دارد در اولین فیلم‌تان موضوعاتی چنین چالش‌برانگیز را دستمایه قرار دهید، تأثیر داشته؟**

شاید بتوانم بگویم که تولد من در ایران در نگاه سینمایی‌ام تأثیر زیادی نداشته؛ با اینکه نمی‌توانم این موضوع را کتمان کنم که زندگی در ایران نقش اصلی را در ورودم به سینما داشته.

● **چگونه؟**

من در چهارده سالگی در فیلم «دختران خورشید» مریم شهریار بازی کردم و بعد از یک سال هم در فیلم «خواب سفید» حمید جبلی، می‌توان گفت که اگر در این دو فیلم بازی نمی‌کردم در کل شاید عشق و علاقه به کارگردانی، نویسندگی و سینما من را ایجاد نمی‌شد؛ اما در زمینه نگاه سینمایی من بسیار تحت تأثیر سینمای اروپای شرقی هستم که به‌طور مشخص بعد از سفر به اسلواکی و تحصیل در آنجا در من ایجاد شده. به هر حال استادانم در آنجا چهره‌های مهم موج نو چون چک و اسلواکی بودند.

● **از این نمی‌ترسیدید که نگاه منتقدان‌تان را بانگ سیاه‌نمایی زیر سوال ببرند؟**

وقتی واقعیت‌های ناراحت‌کننده را نشان می‌دهی، ممکن است چنین انتقاداتی هم وجود داشته باشد؛ ولی سیاه‌نمایی را درک نمی‌کنم. زمانی که شما روی ابعاد منفی یک داستان تأکید کنید، ممکن است بانگ سیاه‌نمایی رو به رو شوید. اما من در فیلمم داستان روابط انسان‌ها و زندگی را گفته‌ام؛ با تمام ابعادش، هم ناامیدکننده و هم امیدوارانه. در واقع فکر می‌کنم فیلمم واقع‌گرایانه است و حتی ماجرا را تلطیف هم کرده‌ام. تا حدی که خارجی‌هایی که تصورشان از افغانستان و زن افغانستانی شبیه این فیلم نیست، از این فیلم خوش‌شان نیامده؛ مثلاً در آمریکا‌های می‌پرسیدند که شما چگونه در کشور فقیر افغانستان کسانی را نشان داده‌اید که تلفن دارند و گوشت می‌خورند.



● **چه عاملی شما را واداشت که روایتی چنین زنانه را جلوی دوربین بگیرید؟**

این داستانی آشنا برای بسیاری از افغانستانی‌هاست. مادر این کشور زن‌های خانه‌نشین و شکست‌خورده در شوق و بر لبه پرتگاه را بسیار دیدیم.

● **و البته این داستان‌ها منحصراً به افغانستان نیست و در ایران نیز زنان چالش‌های پرشماری دارند.**

بله؛ اما زنان ایرانی با تمام مشکلاتی که دارند، از نظر شرایط اجتماعی با زنان افغانستان قابل مقایسه نیستند. در افغانستان چهل سال است که جنگ بیشترین آسیب‌ها را به زنان و کودکان رسانده؛ مشکلاتی از این قبیل که در بسیاری از نقاط دختران حتی نمی‌توانند درس بخوانند یا حتی کار کنند. شما در ایران وقتی بچه‌ای هفت سالش می‌شود، تردیدی در این مسأله ندارید که او باید به مدرسه برود. در افغانستان ولی هنوز هم جنسیت باعث فضاوت می‌شود. در حالی که در ایران درصد بالایی از دانشجویان زن هستند، یا در حالی که زن افغانستانی به راحتی نمی‌تواند طلاق بگیرد در ایران مادران مجرد و زنان مطلقه زیادی بدون ترس از قضاوت جامعه زندگی می‌کنند.

● **همه این مشکلات به جنگ چهل ساله مربوط می‌شود؟**

نه، آگاهی موضوعی است که می‌تواند این چالش‌ها را کم کند اما خیلی موانع در مقابل این آگاهی وجود دارد؛ مثلاً تابوهای فرهنگی که در افغانستان هنوز روابط آدم‌ها و امور شخصی خانواده‌ها تابو محسوب می‌شوند و به این دلیل رسانه‌ها هم کمتر در این باره حرف می‌زنند و این باعث می‌شود آگاهی ایجاد نشود.

● **پس باید یکی از انگیزه‌های شما برای پرداختن به موضوعات زنانه همین ایجاد آگاهی باشد؛ درست است؟**

دلیل اینکه اولین فیلم سینمایی من به موضوعات زنانه پرداخته، این است که من علاوه بر علاقه همیشگی‌ام به موضوع زنان، همواره خواسته‌ام نگاهی غیرسیاسی به مشکلات زنان داشته باشم.

● **برای روشن‌تر شدن بحث می‌توانید آشکار و روشن بگویید که موضوعات غیرسیاسی که در فیلم «حوا، مریم، عایشه» به آنها پرداخته‌اید، چه مضامینی هستند؟**

در این فیلم موضوع اصلی زن افغانستانی در مورد تصمیم‌های مربوط با جسمش است؛ اینکه مثلاً این زن آزادی تصمیم درباره مادر شدن را در دایانه یا اینکه در جامعه مذهبی مردسالار مادری تا چه حد مانعی مقابل پیشرفت زن است؛ یک مانیفست زنانه درباره زنان افغانستان زیر برقع و خشونت‌هایی که رخ می‌دهد که بسیاری می‌ترسند درباره‌شان صحبت کنند.

● **فارغ از اینکه چنین موضوعاتی خود به خود در جوامع خاورمیانه موضوعات سیاسی است، می‌توانید کمی درباره مشکلات و چالش‌هایی که در زمان ساخت این فیلم داشتید، صحبت کنید؟**

ما در فیلم «حوا، مریم، عایشه» علاوه بر مشکلات مشترک ساخت و تولید یک فیلم سینمایی و مسائل آفرینش هنری، مشکل اصلی‌مان فیلمبرداری در خیابان بود که باعث شد کارمان حدود یک سال طول بکشد.

● **چه نوع مشکلاتی؟**